

## جلسه ۱۱: تثنیه ۲۶

### دکتر سینتیا پارکر

من دکتر سینتیا پارکر هستم و در مورد کتاب تثنیه تدریس می‌کنم. این جلسه ۱۱، تثنیه ۲۶ است.

#### مقدمه: مکانی که خدا انتخاب می‌کند

بنابراین، برای این سخنرانی، ما به فصل ۲۶ تثنیه نگاه می‌کنیم. فصل ۲۶ قرار است قانون شریعت را برای ما به پایان برساند. و با شروع خواندن فصل ۲۶ متوجه خواهیم شد که مکان انتخاب شده در این فصل کاملاً برجسته خواهد بود. ما از فصل ۱۸ به طور رسمی مکان انتخاب شده را ندیده‌ایم. اما وقتی به کل قانون شریعت به عنوان یک واحد منسجم فکر می‌کنیم، می‌بینیم که چگونه فصل ۱۲ مقدمه‌ای بر مکان انتخاب شده بود و اکنون قرار است قانون شریعت را در فصل ۲۶ دوباره با مکان انتخاب شده به پایان برسانیم. بنابراین، این واقعاً یک پایان‌بندی خوب است. فصل ۲۶ شامل دو جشن یا مراسم مذهبی مختلف است که به بنی اسرائیل گفته می‌شود پس از ورود به سرزمین مقدس انجام دهند. بنابراین، بیایید نگاهی به تثنیه ۲۶ بیندازیم.

#### دو مراسم مذهبی

بنابراین ابتدا به دو قانون متفاوت توجه خواهیم کرد؛ ما قصد داریم هر یک از این‌ها، یا نه قوانین، بلکه مراسم مذهبی را بخوانیم. فصل ۲۶ اینگونه شروع می‌شود: «هنگامی که به سرزمینی که خداوند، خدایتان، به عنوان میراث به شما می‌دهد، وارد شدید و آن را تصرف کردید و در آن ساکن شدید، مقداری از اولین محصول زمین را که از سرزمینی که خداوند، خدایتان به شما می‌دهد، آورده‌اید، بردارید و آن را در سبزی قرار دهید و به «مکانی که خداوند، خدایتان، برای استقرار نام خود انتخاب می‌کند، بروید

بنابراین، یک بار دیگر، شما باید از زمین محصول بگیرید. ما خیلی روی این واقعیت تمرکز می‌کنیم که این زمینی که آنها وارد آن می‌شوند، بر اساس هیچ کاری که انجام داده‌اند، به دست نمی‌آورند. آنها آن را به عنوان هدیه‌ای از جانب خدا دریافت می‌کنند و باید از آن زمین محصول بگیرند.

حالا، دقیقاً نمی‌گویند که آن محصول چه خواهد بود، اما احتمالاً می‌توانیم حدس بزنیم که هر چیزی که شامل تقویم کشاورزی می‌شود، خواهد بود. بنابراین، هر چیزی که در سخنرانی‌های قبلی در مورد آن صحبت کردیم، نعمت زمین است. «آن را در سبزی بگذارید و به مکان مورد نظر بیاورید

در آیه ۳، «نزد کاهنی که در آن زمان مشغول به کار است برو و به او بگو: امروز به خداوند، خدای خود، اعلام می‌کنم که به سرزمینی که خداوند برای پدران ما سوگند یاد کرد که به ما بدهد، وارد شده‌ام»

حالا، نکته جالب در مورد این اولین حکم مذهبی این است که چیزی که ما در واقع می‌بینیم این است که همه موظفند روزی را که به عنوان افراد وارد سرزمینی شده‌اند که خدا به آنها داده است، به رسمیت بشناسند. بنابراین، آنها به عنوان یک فرد، از مالک واقعی زمین، از خدا، ارثی دریافت کرده‌اند. و بنابراین، این شناخت شخصی وجود دارد که من آن کسی هستم که وارد شده‌ام.

### اولین اعتقادنامه

و سپس، در آیه ۴، می‌گوید: «سپس کاهنان سبد را از دستت بگیرند و آن را پیش قربانگاه خداوند خدای تو، بگذارند.» و همانطور که با آیه ۵، آیات ۵ تا ۱۰ شروع می‌کنیم، چیزی داریم که برخی آن را اعتقادنامه می‌نامند. در واقع، این یک بازگویی از تاریخ نجات بنی‌اسرائیل است. اما چیزی که می‌خواهم شما انجام دهید این است که همانطور که من می‌خوانم یا همانطور که شما می‌خوانید، و با من همراه می‌شوید، به ضمایی که در این اعتقادنامه استفاده شده است توجه کنید. بنابراین، این فقط یادآوری کارهایی نیست که خدای شما انجام داده است، بلکه در واقع متوجه می‌شویم که یک واژگان مکتوب مانند این وجود دارد که باید بگویید. همانطور که پیش می‌رویم، از آیه ۵ تا آیه ۱۰، به ضماین توجه کنید.

«! شما باید در برابر خداوند، خدای خود، پاسخ دهید و بگویید: پدر من یک آرامی سرگردان بود.» بنابراین، این در واقع یک عبارت عجیب است. «پدر من یک آرامی سرگردان بود.» بنابراین، این در واقع به چه کسی اشاره دارد؟ آنچه اکثر مردم می‌گویند احتمالاً یا ابراهیم است یا یعقوب. هر دوی آنها در برهه‌ای از زمان از منطقه بین‌النهرین بیرون آمدند، از این رو عنوان آرامی به آن داده شده است. و سایر محققان نیز اشاره کرده‌اند که به این واقعیت افتخار می‌کنند که «پدر من یک آرامی سرگردان بود». این اصطلاح آرامی خیلی دیرتر در تاریخ اسرائیل به کار رفته است، یعنی آرامی‌ها دشمنان بنی‌اسرائیل بودند. بنابراین، این اعتقادنامه باید یک سند نسبتاً قدیمی باشد. باید از یک منبع بسیار قدیمی قبل از زمانی که آرامی‌ها دشمنان سرسخت بنی‌اسرائیل بودند، آمده باشد تا آنها بگویند: «پدر من یک آرامی سرگردان بود»

متوجه خواهیم شد که چه ابراهیم باشد چه یعقوب، این به هر دو صورت صدق می‌کند. اساساً به پدران اشاره دارد. بنابراین، این روشی برای روایت این داستان است. و با گفتن «آرامی سرگردان» در اعتقادنامه، این کشاورز که تمام این محصول را از زمین آورده است، به یاد می‌آورد که در گذشته‌های باستان، آنها بی‌زمین بودند. بنابراین، آرامی سرگردان، کسی که زمینی نداشت، بیگانه، آواره، بی‌زمین

پس، پدرم یک آرامی آواره بود و به مصر رفت و تعداد کمی در آنجا اقامت گزید. اما در آنجا، او به «ملتی بزرگ، قدرتمند و پرجمعیت تبدیل شد. و مصریان با ما به سختی رفتار کردند و ما را آزار دادند، کار سختی را بر ما تحمیل کردند. سپس ما به درگاه خداوند، خدای پدرانمان، فریاد زدیم. خداوند صدای ما را شنید و رنج و زحمت و ستم ما را دید. و خداوند ما را با دستی قدرتمند و بازویی کشیده از مصر بیرون آورد. و با وحشت فراوان و با آیات و معجزات. و او ما را به این مکان آورد و این سرزمین را به ما داد، سرزمینی که با شیر و عسل جاری است. اکنون، اینک، من اولین محصول زمینی را که تو، ای خداوند، به من داده‌ای.» آورده‌ام

حالا، این کاملاً پایان آیه ۱۰ نیست. اما آیا به آن ضمائر توجه کردید؟ بنابراین، در این اعتقادنامه، وقتی «کشاورز می‌آید و اولین میوه‌های زمین را می‌دهد و داستان را تعریف می‌کند. «این پدر من است» و سپس «ما و «ما»، «ما در مصر بودیم، مصر به ما ظلم کرد، ما به درگاه خداوند فریاد زدیم.» بنابراین، دوباره می‌بینیم که تنبیه تمام مدت چه کاری انجام داده است. ترکیب شما به عنوان یک فرد و شما به عنوان جمع، کل گروه مردم

تنبیه تضمین می‌کند که در این اعتقادنامه، وقتی مردم برای جشن گرفتن این واقعیت که این هدیه را از جانب خدا دریافت کرده‌اند، وارد می‌شوند، آنها به عنوان افراد موظف به آمدن هستند، اما آنها تشخیص می‌دهند که آنها، به عنوان یک کل جمعیت، همه ما، نه فقط کسانی که امروز زنده هستیم، بلکه همه ما در گذشته، کسانی هستیم که لطف خدا و کار خدا را برای رسیدن به اینجا دریافت کرده‌ایم.

و بعد ضمیر در انتهای جمله می‌گوید. پس «من باید بیایم.» پس من، به عنوان یک فرد، اکنون نیز پاسخ می‌دهم.

بنابراین، از طریق این اعتقادنامه یا این تاریخ نجات، متوجه می‌شویم که چگونه مردم متوجه می‌شوند که تاریخ آنها، داستان آنها، داستان گذر از اجداد آرمی سرگردان و بی‌سرزمین به سرزمینی است. بنابراین، به آنها موهبت این سرزمین خوب داده شده است. آنها از بردگی به رهایی رسیده‌اند. بنابراین، این اعتقادنامه کل داستان آنها را تا جایی که موهبتی بزرگ به آنها داده شده است، روایت می‌کند. آنها اکنون با عشق به خدا پاسخ می‌دهند.

### این مکان و این سرزمین

بنابراین، نکته جالب دیگری که در آیه ۹ نمایان می‌شود. بنابراین، ما از ابتدای این اعتقادنامه می‌دانیم که کشاورز، یعنی مردم، موظفند به مکانی که خدا برگزیده است بروند. بنابراین، این مراسم در مکان انتخاب شده برگزار می‌شود.

بنابراین، ما مکان کلی را می‌دانیم، و در آیه نهم داریم: «و او ما را به این مکان آورده و این سرزمین را به ما بخشیده است.» بنابراین، ما دو عبارت داریم که به نظر می‌رسد با یکدیگر موازی هستند. بنابراین را به ما عطا **haretz** به معنی «این مکان» است. پس خدا ما را به این مکان آورده است. و **hazeh** حماقم کرده است. هزه که همان «این سرزمین» است.

حال، حماقوم کلمه‌ای است که در کتاب تثنیه زیاد استفاده می‌شود. و بخشی از سوال این است که منظور از «این مکان» در آیه ۹ چیست؟ خب، می‌توانیم بگوییم که می‌دانیم مفهوم کلی‌تر این است که آنها در مکان برگزیده ایستاده‌اند. بنابراین، می‌توانیم بگوییم که این آیه به این معنی است که خدا ما را آورده است، یا من اکنون به این مکان، به این مکان برگزیده آمده‌ام، و خدا این سرزمین را نیز به ما داده است. و این کاملاً منطقی است.

یا می‌توان گفت چون این عبارات با هم موازی هستند. شاید «حماقوم» در اینجا همان «هاآرتص» باشد بنابراین می‌تواند این باشد که خدا ما را به این مکان، یعنی این سرزمینی که با شیر و عسل جاری است، آورده است. یا شاید این ابهام عمدی باشد. آنچه ما هنگام صحبت در مورد مکان برگزیده و تمام شهرهای توزیع شده دیده‌ایم، در سراسر این مجموعه قوانین در مورد چگونگی ارتباط شهرها با مکان برگزیده، چگونگی عملکرد رهبران در هر دو مکان، چگونگی فعالیت‌هایی که در هر دو مکان اتفاق افتاده است، چگونگی فراخوانده شدن نه تنها لایوان و کاهنانی که در مکان برگزیده هستند، بلکه همه مردم برای مقدس بودن در برابر خدا فراخوانده شده‌اند، بررسی کرده‌ایم. همه آنها به گونه‌ای غذا می‌خورند که نشان می‌دهد مقدس هستند و به عنوان جدا و کنار گذاشته شده تعیین شده‌اند.

رفتار آنها در شهرهایشان با این کلمات مشخص شده است، همانطور که این کلمات در مکان انتخاب شده قرار می‌گیرند.

بنابراین، تثنیه، اگرچه به طور قابل توجهی، مکانی برگزیده را که نام خدا را در خود جای داده است کنار گذاشته است. اینکه این مکان، محل سکونت اوست، مقدس است زیرا لایوان در آنجا در حضور او خدمت می‌کنند. مقدس است زیرا تنها مکانی است که می‌توانند قربانی‌های خود را بیاورند. اما تثنیه زمان زیادی را صرف این کرده است که بگوید تقدس فقط به یک مکان محدود نمی‌شود. بنابراین صرفاً به این دلیل که نام خدا در مکان برگزیده است و قربانی‌ها در مکان برگزیده هستند و لایوان در مکان برگزیده هستند، به این معنی نیست که تمام بقیه سرزمین مقدس نیست. همه اینها مقدس است زیرا همه تحت قانون خدا قرار می‌گیرند.

بنابراین، ابهام را بشنوید؛ خدا ما را به این مکان آورده و این سرزمین را به ما داده است، سرزمینی که با شیر و عسل جاری است. «این مکان» می‌تواند به مکان برگزیده اشاره داشته باشد، یا می‌تواند به سرزمین

، اشاره داشته باشد. اما در هر صورت، نوعی محو شدن دوباره خطوط بین آنچه مقدس است و آنچه مقدس نیست وجود دارد. و به نظر می‌رسد که حتی در این اعتقادنامه که بنی‌اسرائیل در حالی که در مکان برگزیده هستند نقل می‌کنند، این تشخیص وجود دارد که تقدس از مکان برگزیده تا مرزهای ملتشان، در تمام سرزمینی که با شیر و عسل جاری است، جریان دارد.

### اعتقادنامه دوم - عشریه برای فقرا

بنابراین، پس از این اعتقادنامه‌ی اول، به اعتقادنامه‌ی دوم در فصل ۲۶ می‌رسیم. بنابراین، اعتقادنامه‌ی دوم «دهیک فقرا» محسوب می‌شود. بنابراین، این هم یک دهیک دیگر است، اما این یک دهیک منحصر به فرد برای آن است؛ این یک دهیک معمولی نیست که مردم هر ساله به مکان انتخاب شده می‌دهند.

بنابراین، ما با آیه ۱۱ شروع خواهیم کرد. خب، من از انتهای آیه ۱۰ شروع می‌کنم. «و آن را در حضور خداوند، خدای خود، بگذار و در حضور خداوند، خدای خود، پرستش کن. و تو و لاوی و غریبی که در میان توست، از نیکویی که خداوند، خدای تو، به تو و خانواده‌ات داده است، شادمان خواهید شد.» که در واقع متعلق به مورد اول است.

بنابراین، آیه ۱۲: «چون در سال سوم، سال دهم، تمام ده یک محصول خود را پرداخت کردی، آن را به لاوی، غریب، یتیم و بیوه بده تا در شهرهای تو بخورند و سیر شوند. در حضور خداوند، خدای خود، بگو: 'من سهم مقدس را از خانه‌ام برداشتم و آن را به لاوی و غریب، یتیم و بیوه نیز دادم، مطابق تمام فرامینی که به من داده‌ام.'» امر فرمودی. من هیچ یک از فرامین تو را نقض نکرده و فراموش نکرده‌ام

بنابراین، قبل از اینکه جلوتر برویم، متوجه خواهیم شد که این سومین سال است

و این سومین سال ده یک دادن است. بنابراین، یک ده یک سال به مکان انتخاب شده می‌رود؛ سال دوم ده یک به مکان انتخاب شده می‌رود. سال سوم به مکان انتخاب شده نمی‌رود، بلکه در دروازه‌های شهرشان بین خودشان توزیع می‌شود.

و چه کسانی دریافت‌کننده‌ی این عشر هستند؟ خب، در سال‌های اول و دوم، وقتی به مکان انتخاب شده می‌رود، لاویان دریافت‌کننده هستند. این یک نمایش بسیار فعال از به رسمیت شناختن خداست که مالک زمین است و شما عشر را به او باز می‌گردانید. اما در این سال سوم، شما تشخیص می‌دهید که این بار مسئولیت تغذیه و مراقبت از افرادی را بر عهده می‌گیرید که در جامعه به حاشیه رانده شده‌اند.

حال، نکته جالب این است که در سراسر تثنیه، فعلی به نام شبات وجود دارد که به معنای «ارضای کردن» است. و در سراسر تثنیه، گفته می‌شود که خدا کسی است که نیازهای قوم خود را برآورده می‌کند. این جمله بارها و بارها در سراسر تثنیه تکرار شده است که خدا هر نیازی را که بنی‌اسرائیل دارند، برآورده می‌کند. و اکنون، با این عید خاص، مردم نیازهای نیازمندان شهر خود را برآورده می‌کنند.

بنابراین، آیه ۱۲ را دوباره می‌خوانم: «چون در سال سوم، سال دهم، تمام عشر محصول خود را پرداخت کردی، آن را به لاوی، غریب، یتیم و بیوه زن بده.» همه مردمی که زمین ندارند، معمولاً فقیرترین و حاشیه‌نشین‌ترین افراد بودند.

تا در شهرهای تو بخورند و سیر شوند.» بنابراین، در این عید، وقتی شما می‌آید و به خدا قول می‌دهید، من بسیار مراقب بوده‌ام که مطمئن شوم بخش مقدس را از خانه‌ام بیرون آورده‌ام و آن را به فقرا و نیازمندی که در اطرافم هستند می‌دهم. این راهی است برای بنی‌اسرائیل تا بگویند: «خدایا، من می‌دانم که تو تمام نیازهای ما را برآورده کرده‌ای، و اکنون من از اعمال تو تقلید می‌کنم و در پاسخ برمی‌گردم و همین کار را می‌کنم.»

این مفهوم ضمنی را القا می‌کند که این عمل به همان اندازه مقدس است که عشریه را به مکان انتخاب شده می‌رسانید. بنابراین، این عمل مقدس فقط کاری نیست که شما در قبال خدا انجام می‌دهید، بلکه نحوه‌ی انتخاب شما برای رفتار با اطرافیان‌تان را نیز در بر می‌گیرد.

بقیه جشنواره

بنابراین، بقیه آن عید خاص را در آیه ۱۴ خواهیم خواند. «من در هنگام سوگواری از آن نخورده‌ام، و در هنگام ناپاک بودن از آن چیزی نبرده‌ام، و چیزی از آن را برای مردگان نذر نکرده‌ام. من به صدای خداوند خدای خود، گوش داده‌ام. من مطابق هر آنچه به من فرمان داده‌ای، عمل کرده‌ام.» بنابراین، «من این را جمع نکرده‌ام» به این معنی است که من این دهم را نجس نکرده‌ام، بلکه یک دهم مقدس است. اگرچه در مکان تعیین‌شده تقدیم نمی‌شود، اما به مردم در دروازه‌های شهر تقدیم می‌شود.

آیه ۱۵، «از جایگاه مقدس خود از آسمان بنگر و قوم خود اسرائیل را از زمینی که به ما داده‌ای، زمینی که با شیر و عسل جاری است، چنانکه برای پدران ما سوگند یاد کردی، برکت ده. امروز، یهوه، خدای تو، تو را امر می‌کند که این فرایض و احکام را انجام دهی. پس باید مراقب باشی که آنها را با تمام دل و تمام جان خود انجام دهی.»

## بستن قانون

حال، سه آیه آخر واقعاً در هیچ یک از این جشن‌ها جای نمی‌گیرند، اما برای پایان دادن به کل مجموعه قوانین بسیار خوب عمل می‌کنند. بنابراین، متوجه خواهیم شد که با اعلامیه، مخاطب و عمل شروع می‌کنیم.

بنابراین، آیه ۱۷، همانطور که همه چیز مربوط به قانون را به پایان می‌رسانیم. «شما امروز در حضور خداوند اعلام کردید.» بنابراین، شما، «بنی‌اسرائیل در حضور خداوند، خدای خود،» که مخاطب است اعلام کردید. «که در راه‌های او گام بردارید، مجسمه، فرامین و احکام او را نگه دارید و به صدای او گوش دهید. خداوند امروز اعلام کرده است.» بنابراین، ما بنی‌اسرائیل را داشتیم که به خداوند اعلام می‌کردند که چه کاری انجام خواهند داد. و اکنون خداوند را داریم که به مردم اعلام می‌کند که چه کاری انجام خواهد داد خداوند امروز شما را قوم خود، دارایی‌گرانبها، همانطور که به شما وعده داده است، اعلام کرده است که باید تمام فرامین او را نگه دارید و شما را بر همه ملت‌هایی که او ساخته است، برای ستایش، شهرت و افتخار برتر قرار خواهد داد تا همانطور که او گفته است، قومی وقف شده برای خداوند، خدای خود باشید

و سپس ما به مجموعه قوانین پایان می‌دهیم. بنابراین، ما به این توافق بین خدا و قومش رسیدیم. و خدا می‌گوید، تا زمانی که مردم از صدای او اطاعت کنند و احکام و قوانین او را اجرا کنند، او آنها را برقرار خواهد کرد و آنها نمونه‌ای برای همه ملت‌ها خواهند بود، و سپس مجموعه قوانین به پایان می‌رسد.

## پیش‌نمایش تثبیه ۲۷-۲۹

بنابراین، وقتی وارد فصل‌های ۲۷، ۲۸ و ۲۹ می‌شویم، به این شناخت برمی‌گردیم که بنی‌اسرائیل در کنار موسی در بیرون از سرزمین [مقدس] ایستاده‌اند و به آن نگاه می‌کنند. بنابراین، ما در طول قانون ۱۲ تا ۲۶، این فرصت را داشته‌ایم که بگوییم چگونه عمل کنیم؟ پیروی از خدا به چه معناست؟ غذا خوردن، ایجاد رهبری داشتن ساختار اجتماعی و اخلاق اجتماعی چگونه است؟ چگونه این کار را در سرزمین [مقدس] انجام دهیم؟

ما در مورد این موضوع بحث کرده‌ایم، و اکنون دوباره به بنی‌اسرائیل در خارج از سرزمینشان می‌پردازیم. و کمی به چیزی شبیه به آنچه در ابتدای تثبیه در فصل‌های ۱ تا ۳ دیدیم، برمی‌گردیم. بنابراین، در سخنرانی بعدی به آن خواهیم پرداخت.

من دکتر سینتیا پارکر هستم و در مورد کتاب تثبیه تدریس می‌کنم. این جلسه ۱۱، تثبیه ۲۶ است.